

بچه‌های طلاق؛ آسیب پذیران بی پناه

حتی کسانی که تحت سرپرست خانواده هستند ممکن است دست به بزهکاری و کارهای خلاف قانون بزنند ولی احتمال آسیب پذیری فرزندان طلاق در جامعه بسیار بالاتر از افراد عادی است.



خبرگزاری مهر- حتی کسانی که تحت سرپرست خانواده هستند ممکن است دست به بزهکاری و کارهای خلاف قانون بزنند ولی احتمال آسیب پذیری فرزندان طلاق در جامعه بسیار بالاتر از افراد عادی است.

شاید بارها در رسانه‌ها شنیده باشید نوجوان با سن 14 تا 15 سال که اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارند تحت عنوان فرزندان طلاق به اتهام ده‌ها فقره سرقت دستگیر شدند و این نوجوانان به دلیل نبود نظارت از سوی والدین در دام اعتیاد گرفتار شده‌اند و برای هزینه اعتیاد خود دست به سرقت‌های متعدد می‌زنند.

شاید با شنیدن این خبر ناخودآگاه به آینده هزاران کودک طلاقی بیاندیشیم که اکثر آنها بعد از طلاق والدین از حق طبیعی داشتن کانون امن خانواده محروم می‌شوند و گاه نبود این امنیت منجر به کژرفتاری‌ها و بزهکاری‌هایی از قبیل فرار از مدرسه، سرقت، ایراد ضرب و جرح، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر یا حتی قتل می‌شود.

هنگامی که طلاق زنجیره خانواده را از هم می‌گسلد، پدر و مادر هویت جداگانه‌ای می‌یابند ولی آن کسی که دیگر نامی ندارد و بی‌پناه و متزلزل در جامعه رها می‌شود فرزند است. جدای پدر و مادر یک اثر آبی و زودگذر نیست، بلکه در تمامی مراحل زندگی فرزندان اثرات منفی و زیانباری را بر جا خواهد گذاشت.

هرچند در همه موارد، جدایی والدین باعث بزهکاری فرزندان و کژرفتاری‌های آنها نمی‌شود و در موارد متعددی هم کودک و نوجوان خود را با شرایط به وجود آمده تطبیق می‌دهد و از تربیت و رشد طبیعی برخوردار می‌شوند. اما پراکنده شدن اعضای خانواده و محرومیت فرزندان از سرپرستی مشترک والدین پس از فروپاشی و از هم گسیختگی خانواده آنان را از داشتن مواهب و مزایای زندگی خانوادگی محروم می‌کند و هویت فردی و خانوادگی فرزندان طلاق را مختل می‌نماید.

این قضیه قابل کتمان نیست که در بعضی از موارد دور شدن از فضای تشنج خانواده قبلی برای کودکان طلاق آرامش و ثبات به همراه می‌آورد و ممکن است وی با ناپدری یا نامادری بیشتر و بهتر از والدین خود رابطه مطلوب برقرار کند که این رابطه منجر به رشد و تعالی هرچه بیشتر او بشود. به ویژه اینکه در بسیاری موارد پدر و مادرها در بعد از جدایی رابطه عاطفی بیشتری با فرزندان خود برقرار می‌کنند و موجب می‌شوند آنها با شرایط پیش آمده به راحتی و منطقی کنار آیند.

شکل گیری شخصیت کودک در خانواده

جای تردیدی نیست که خانواده نقش مهمی در پایه ریزی شخصیت کودک بر عهده دارد. کودک امنیت عاطفی خود را که در شکل دهی شخصیت او اهمیت بسزایی دارد، در آغوش خانواده به دست می‌آورد بنابراین هر نوع خدش‌های به این امنیت عاطفی وارد شود در روند طبیعی شکل گیری شخصیت کودک اختلال ایجاد می‌کند.

طبیعی است که یک شخصیت دارای اختلال، گرایش بیشتری به بزهکاری دارد تا یک شخصیت طبیعی و سالم؛ از این رو فردی که دارای اختلال شخصیت است دست خود را به انواع بزهکاری‌ها از جمله سرقت آلوده می‌سازد.

سرقت نیز به عنوان یک آسیب اجتماعی و اختلال رفتاری دارای علل و انگیزه‌هایی است که باید آن را شناخت و به صورت ریشه‌ای درمان کرد.

در بیان علل و انگیزه‌های سرقت از زمینه‌های مختلف چون محرومیت‌های عاطفی، روانی، مادی، معنوی، نابسامانی‌های اجتماعی و خانوادگی و معاشرت با دوستان ناباب سخن به میان آمده و گفته شده که اگر خانواده زیربنای تربیت کودک را از همان آغاز تولید درست بنا نسازد، چه بسا اصلاح بعد رفتار با مشکلات فراوان همراه خواهد شد.

طبق بررسی‌های به عمل آمده نوجوانان بزهکار بیشتر متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده‌ای هستند که با توجه به طلاق و جدایی پدر و مادر، فقط یکی از والدین سرپرستی و اداره آنها را بر عهده دارد.

مشکلات والدینی که پس از طلاق ازدواج می‌کند با والدینی که هر کدام به تنهایی فرزند خود را سرپرستی می‌کنند متفاوت است، می‌گوید: اگر فرزند با هر کدام از والدین زندگی کند کمبود والد دیگر در زندگی وی محسوس و موثر است و کودکان این گونه خانواده ها تحت تربیت مستقیم و موثری قرار نمی‌گیرند که نتیجه آن گرایش آنها به جرم و بزهکاری می‌باشد و اگر هر کدام از والدین پس از جدایی با فرد دیگری ازدواج کنند مساله نافرمانی فرزندان از نامادری یا ناپدری پیش می‌آید و اکثر کودکان و نوجوانان نمی‌توانند فرد دیگری را به عنوان پدر یا مادر خود بپذیرند که خود منجر به فرار از خانه، اعتیاد و بزهکاری آنان می‌شود.

قبل از طلاق کمی بیشتر ببیندیشیم

نقش منفی و بسیار ویرانگر طلاق در شخصیت فرزندان، خانواده های در آستانه طلاق را به تامل و تفکر بیشتر در این باره تشویق می‌کند و می‌گوید: بیشتر بزهکاران آغاز سرکشی خود را از جدایی والدین، اختلافات خانوادگی و متشنج بودن فضای خانواده ذکر کرده‌اند.

حتی کسانی که تحت سرپرست خانواده هستند ممکن است دست به بزهکاری و کارهای خلاف قانون بزنند ولی احتمال آسیب پذیری فرزندان طلاق در جامعه بسیار بالاتر از افراد عادی است و فرزندی که بر اثر طلاق والدین حامیان اصلی خود را از دست می‌دهد بیش از دیگران در خطرند و به راحتی فریب ظاهر آراسته و سخنان فریبنده افراد را می‌خورند.

سودجویان زیادی هستند که از کودکان طلاق در راه رسیدن به هدف‌های خود مانند قاچاق مواد مخدر، سرقت و تشکیل باندهای بزهکار استفاده کنند. 70 درصد افرادی که دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند، فرزندان طلاق هستند؛ توجه به مقوله پیشگیری از طلاق اهمیت خاصی دارد.

شاید بهتر باشد قبل از اینکه فقط به فکر خودمان باشیم و به راحتی و آسایش خود و چشم‌هایمان را به روی همه چیز ببندیم، یک آشیانه را متلاشی کنیم و فرزندان را به دست سرنوشت بسپاریم، به عواقب کارمان ببیندیشیم و اگر راهی برای ادامه زندگی وجود دار به بهانه فرزندانمان آن راه را نبندیم.